

عدم حضور بزرگان شیعه در قیام مسلم بن عقیل علیه السلام

دکتر حسین حمزه^۱

احمد ناصری امین^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۲

چکیده

افراد مشهور چون مختار، سلیمان بن سرد خزاعی، حبیب بن مظاهر، ابو ثمامه صیداوی، مسلم بن عوسجه و ابراهیم بن مالک اشتر نخعی که در واقعه کربلا شهید شدند، در واقعه مسلم رد پایی از آنها گزارش نشده است. چرا چنین افرادی که جزو بزرگان شیعه هستند در قیام مسلم حضور نداشتند؟ این پژوهش با استناد به منابع دسته اول تاریخی و با استفاده از موقعیت‌های جغرافیایی و ارائه احتمال‌های عقلی برخاسته از گزارش‌های موجود، نشان داده است که هرکدام از این بزرگان بنا به دلایلی امکان همراهی با مسلم به عقیل را نداشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: شیعه، عبیدالله بن زیاد، کربلا، کوفه، مسلم بن عقیل.

۱. دکتری تاریخ تشیع، مدرس موسسه عالی امام رضا علیه السلام (نویسنده مسئول). hadi.hamzeh65@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب. Saaghioo59@gmail.com

در زمان احداث شهر کوفه، مسجد این شهر نقش محوری برای ساختن دیگر اماکن شهر ایفا کرد. تعیین مسجد جامع، اولین اقدام برای برپایی این شهر در آغاز نظامی بوده است، هرچند برخی قدمت این مسجد را به زمان حضرت آدم علیه السلام باز می‌گردانند (براقی، ۱۳۸۸: ۳۲). این مدعا نیازمند واکاوی‌های دقیق و حفاری‌های میدانی است که در این زمینه کمبود داده‌های علمی به شدت احساس می‌شود. در ابتدا میان قصر، که در جنوب شرقی مسجد بنا شده بود، با مسجد حدود ۱۰۸ متر (۲۰۰ زراع) فاصله برقرار بود، بعدها مسجد و قصر توسط سعد بن ابی وقاص به یکدیگر متصل شدند.

از طرف دیگر، بازار کوفه در شرق مسجد قرار داشت که تا سردر شمالی قصر امتداد می‌یافت، به دلیل اینکه در گزارش‌های موجود سعد بن ابی وقاص در قصر از سروصداهای بازار در زحمت بود (طبری، ۱۴۰۸: ۴/۴۷). بنابراین باید اصناف گوناگون، حواشی مسجد و قصر را پر کرده باشند. محوطه بزرگی که برای بازار تعیین شده بود در کنار مسجد و قصر قرار داشت. در گزارش ابومخنف آمده است که بازارها در عهد مختار به هیچ وجه شکل ساختمانی نداشته‌اند (همان، ۱۰۶/۶). کاسب‌ها با زدن سایبانی خود را از آفتاب و باران محفوظ نگه می‌داشتند. عدم وجود ساختمان در بازار، امکان استفاده از بازار را برای اقدامات نظامی تشدید می‌کرد. احتمالاً در تعیین محدوده قصر، مسجد و بازار توسط جعیط (۱۳۹۳: ۱۱۰) اشتباهی صورت گرفته باشد، ایشان بر این باور است که قصر در جنوب شرقی مسجد بنا شده و بازار کوفه در شرق مسجد بوده که تا سردر شمالی قصر امتداد داشته است.

شایان توجه است که امکان ندارد قصر در جنوب شرقی قرار گرفته باشد و بازار از شرق تا سردر شمالی قصر یعنی تا جنوب شرقی امتداد داشته باشد، مگر اینکه بگوییم محدوده احتمالی ارائه شده توسط جعیط درست بوده و بازار در حد فاصل شرق تا جنوب شرقی قرار داشته، که در این احتمال محدوده بازار بسیار کم و ناچیز می‌شود، هرچند وی شمال مسجد را نیز به محدوده بازار اضافه کرده است. یا اینکه بگوییم بازار کوفه از غرب مسجد تا جنوب شرقی مسجد که سردر شمالی قصر در آن ناحیه قرار بوده،



امتداد داشته است، در این صورت محدوده جغرافیایی بازار فراختر می شود.

اطلاعاتی از چگونگی تردد ابراهیم بن مالک اشتر در شهر کوفه و دیدار با مختار و برنامه ریزی قیامشان به دست ما رسیده است، این گزارش از این قرار است: به خدا سوگند! ما از وسط بازار از کنار قصر عبور می کنیم و دشمن خویش را می ترسانیم و به آنها نشان می دهیم که نزد ما خوانند (طبری، ۱۴۰۸: ۱۹/۶). این گزارش نشان می دهد که بازار موقعیت فراختری را در شهر به خود اختصاص داده بود، به طوری که وسط بازار در کنار دیوارهای قصر امتداد داشته است و احتمالاً خانه رومی ها و درب دیگر قصر در جنوب قرار داشته که بنا بر نقل سیف در محدوده منازل طوایف ازد و کنده بوده است (جعیط، ۱۳۹۳: ۱۴۷). صحن گسترده که بنا بر دیدگاه محققان تا ۲۳ هکتار تخمین زده شده است و مسجد، قصر و بازارها در آن قرار داشتند، نیز امکان استفاده نظامی از این محدوده را بیشتر می کرد، چرا که خانه سازی در آن ممنوع بوده است (همان، ۱۱۰).

کوچه های کوفه نیز در برخی موارد بسیار فراخ و بزرگ ترسیم شده بودند به گونه ای که تا خارج شهر و به جاده های بزرگ خارج شهر نیز متصل بوده اند، طوری که انبوه قبایل در درون شهر به راحتی می توانستند به سمت مسجد به راه بیافتند، بنابراین این احتمال وجود دارد که لشکریان مسلم بن عقیل رضی الله عنه در میدان و بازار سمت سردر شمالی قصر و در شرق مسجد، آرایش جنگی شدند که با این چینش می توانستند به وسیله دهلیزهایی که در زمان زیاد بن ابیه برای مسجد تعبیه شده بود (طبری، ۱۴۰۸: ۴/۴۷) بر مسجد نیز مسلط گردند، اما از درب سمت جنوب قصر غافل بودند. یاران ابن زیاد به راحتی از آن درب به درون شهر رفت و آمد می کردند، با این حال پذیرش غفلت از این درب بسیار بعید به نظر می رسد. اینکه چرا یاران مسلم از این درب مراقبت نمی کردند، در هاله ای از ابهام قرار دارد.

در نقل طبری از هلال بن یساف آمده است: شب هنگام مسلم با سی یا چهل نفر از یارانش وارد مسجد شد، به ابن زیاد گفتند: جمعیت زیادی نمی بینیم و سروصدای بسیاری نمی شنویم، عبیدالله دستور داد سقف را برداشتند و قندیل ها را روشن کردند (همان، ۳۹۱/۵). این گزارش در ظاهر با نقل دیگری مبنی بر قرار دادن ستون در مسجد

تنافی دارد چرا که در عهد زیاد، ستون‌هایی از اهواز به کوفه آورده شد که داخل آنها را سوراخ کردند و درون سوراخ‌ها را با سرب انباشته و به وسیله میله‌های آهنی به یکدیگر متصل کردند تا استحکام یافته و قادر به حمل بام رفیع نمازخانه باشد (همان، ۴۴/۴).

تنافی میان این دو نقل به نظر منتفی است، کلید حل این معما در کلمه نمازخانه است. اگر قصر در جنوب شرقی مسجد قرار داشته است، احاطه ساکنان قصر بر محدوده صحن مسجد بوده که بانی مسقف شده بود. بنابراین به راحتی می‌توانستند با استفاده از نیزه و با کنار زدن نی‌ها از درون صحن مسجد آگاه شوند؛ اما با شکست قیام، مسلم بن عقیل از مسجد کوفه به سمت درهای کنده حرکت کرد. همانگونه که از نقل بلاذری (بی تا: ۲/۳۳۸) این مطلب فهمیده می‌شود، این درب در جنوب مسجد قرار داشته است که به سمت منازل طوایف کنده، مذحج و نخع بوده است، اما چرا مسلم بن عقیل این مسیر را انتخاب کرده است؟ چرا به سمت شمال کوفه که طوایف ثقیف و همدان وجود داشتند، حرکت نکرد؟ آیا فرق شب هنگام شهرکوفه تنها راه جنوب را برای او باز گذاشته بود؟ تنها اطلاعی که در منابع وجود دارد این است که جنوب کوفه بیابانی بوده و سمت شمال و شرق به دلیل مجاورت فرات، حاصلخیز بوده است (جعیط، ۱۳۹۳: ۱۳۲). آیا مسلم بن عقیل در صدد رساندن خود به بیابان بوده است؟ یا اساساً در میان کوچه‌های کوفه حیران بوده و بدون هدف کوچه‌های آن را طی می‌کرده است و هیچ هدف خاصی را پیگیری نمی‌کرده است، این سوالات از نقاط مبهم تاریخ است که نمی‌توان شاهد علمی دقیق برای آنها آورد. شایان ذکر است مراد از بزرگان کوفه در این مقاله، افراد و شخصیت‌های هستند که دارای موقعیت اجتماعی، قبیله‌ای و مذهبی بوده‌اند و می‌توان آنها را به عنوان بزرگ قوم و قبیله معرفی کرد.

پیرامون این موضوع به خصوص در میان کتاب‌های تحقیقی معاصر می‌توان به کتاب *مقتل جامع سید الشهداء* علیه السلام به قلم پیشوایی (۱۳۹۱ش) اشاره کرد که تا حدودی به واکاوی عدم حضور این افراد در قیام مسلم بن عقیل پرداخته است. نکته حائز اهمیت و وجه تمایز میان تحلیل‌های ارائه شده در این مقاله و کتاب ذکر شده در این است که در این جستار سعی شده تا با تلفیق داده‌های جغرافیایی و گزارش‌های تاریخی، تحلیل

جدیدی در این موضوع ارائه شود.

عدم حضور مختار

مسلم بن عقیل در آغاز ورودش به کوفه، خانه مختار بن ابی عبید ثقفی از شیعیان و بزرگان کوفه، را برای مأمّن و پناهگاه انتخاب کرد. به گواهی تاریخ، مختار نیز جزو اولین افرادی است که با مسلم بن عقیل بیعت و از او حمایت کرده بود. با این حال چرا در جریان محاصره قصر توسط مسلم و نیروهای او، شاهد حضور مختار در این واقعه نیستیم؟ با پذیرش نقل ابن کثیر (۱۴۱۳: ۱۵۴/۸) که مختار با بیرق سبزرنگ در سپاه مسلم حضور داشته و مراقب خانه عمرو بن حرث بوده است؛ آیا سرنوشت عدم حضور او در ساعت‌های تنهایی مسلم، به همان دلیل عدم حضور حبیب بن مظاهر و ابو ثمامه صاعدی باز می‌گردد؟ یا اینکه اساساً نقل ابن کثیر که از مورخان قرن هشتم به شمار می‌آید، دور از واقع و مورد تأیید دیگر منابع متقدم نیست؟

طبری (۱۴۰۸: ۳۸۱/۵) از عدم حضور مختار در کوفه به هنگام قیام مسلم خبر می‌دهد. گزارش به نحوی است که مختار خارج از کوفه بوده و با آگاهی از قیام مسلم قصد ملحق شدن به او را داشته که توسط سربازان عبیدالله بن زیاد دستگیر و زندانی می‌شود. اما در گزارش دیگری از طبری که نقل ابن کثیر را تأیید می‌کند، آمده است عبیدالله بن زیاد دستور داد، مختار و عبدالله بن حارث را پیدا کنند و برای آوردنشان جایزه‌ای نیز معین کرد. وقتی این دو را آوردند، هر دو را زندانی کرد (همان، ۳۸۲).

گزارش خروج مختار از کوفه برای جمع‌آوری نیرو در برخی منابع دیده می‌شود. اینکه زمانی برای خروج بر عبیدالله بن زیاد میان مسلم و مختار تعیین شده بود که با گرفتار شدن هانی و خروج زود هنگام مسلم، مختار نتوانست خود را در این قیام حاضر کند (شوشتری، ۱۴۱۸: ۱۱/۱۰). در گزارش بلاذری (بی‌تا: ۲۱۵/۵) تنها از خروج مختار از کوفه گفته شده است و اینکه به دلیل عدم مشخص بودن زمان معین برای خروج، مختار نتوانست در قیام مسلم شرکت داشته باشد. در میان این گزارش‌ها، کدام یک به حقیقت نزدیک‌تر است؟ آیا می‌توان گزارش‌ها را تجمیع کرد؟ در این واقعه با چهار گزارش مواجه

هستیم:

۱. حضور مختار در سپاه مسلم = دارا بودن بیرق سبز = مراقب خانه عمرو بن حریث = مخفی شدن = دستگیری.
 ۲. خارج از کوفه = آگاهی از قیام و قصد ملحق شدن = شکست قیام و دستگیری.
 ۳. خارج از کوفه = جمع‌آوری نیرو + مشخص بودن زمان خروج = خروج نابه‌هنگام مسلم = غیبت مختار.
 ۴. خارج از کوفه = دلیل نامعلوم + عدم تعیین زمان مشخص برای خروج = بی‌خبری مختار از قیام = زندانی شدن به دلیل تسلط ابن زیاد بر کوفه و از بزرگان شیعه بودن مختار. به نظر می‌رسد تعیین زمان و طرح این پیش‌فرض که مختار برای جمع‌آوری نیرو به خارج از کوفه رفته است دور از ذهن باشد؛ چرا که در منابع متقدم هیچ گزارشی از تعیین زمان برای خروج بر ابن زیاد نیامده است، دیگر آنکه تعیین زمان برای قیام، هنگامی توجیه خوبی برای عدم حضور مختار است که قائل بشویم مسلم بن عقیل در مأموریت خود به کوفه، چنین اختیاراتی را برعهده داشت که دست به قیام بزند. در صورتی که مسلم بن عقیل تنها برای رصد اوضاع و برآورد پایبندی تعهدات مردم کوفه از سمت امام حسین علیه السلام مأموریت داشته است. از طرف دیگر، تعیین شعار «یا منصور امت» نیز نمی‌تواند قرینه‌ای بر زمان معین برای خروج باشد. این احتمال وجود دارد که تعیین این شعار در میان مسلم و یاران او تنها برای مواقع ضروری بوده که در داستان هانی این اتفاق افتاد؛ نه اینکه شعاری باشد برای زمان معین و مشخص برای خروج بر عبیدالله بن زیاد. بنابراین، احتمال سوم و ورود گزاره‌ای چون تعیین زمان قیام نمی‌تواند ما را در حل این سؤال کمک کند.
- در احتمال دوم و چهارم نیز گزاره خروج از کوفه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. خروجی که در هر دو گزارش، علت آن نامعلوم است. هرچه بوده این خروج با فاصله زیاد از کوفه نبوده است، بلکه مختار در اطراف کوفه حضور داشته است. با این حال بی‌خبری او از قیام مسلم بن عقیل که در احتمال چهارم مطرح شده است، بعید به نظر می‌رسد؛ چرا که گزارش‌های دیگر سرنخی از آگاهی مختار از قیام مسلم را ارائه می‌دهد،

اما باید واقعه چیزی ترفیق از دو احتمال اول باشد، یعنی مختار در آغاز در سپاه مسلم بوده و مأموریت مراقبت از خانه عمرو بن حریث را برعهده داشته است، اما با نیرنگ ابن زیاد و فاصله افتادن میان نیروهای مسلم، مختار مخفی شده است (همانگونه که در احتمال اول مطرح شده است). این مخفی شدن، دقیقاً همان خروج از کوفه است. در این صورت آیا مختار به اطراف کوفه رفته یا قصد جمع‌آوری نیرو داشته و یا اینکه مخفی شده است؟ شاید وجه دوم معقول‌تر به نظر برسد؛ چرا که جمع‌آوری نیرو در آن مدت زمان محدود امری دور از انتظار است، مضافاً بر اینکه مختار شرایط کوفه و انشقاق میان صفوف نیروهای مسلم را مشاهده کرده بود، اما بعد از مدتی به کوفه باز می‌گردد^۱ و زیرپرچم امان که مقابل منزل عمرو بن حریث زده شده بود، قرار می‌گیرد و دستگیر می‌شود. همانگونه که در گزارشی از طبری (۱۴۰۸: ۵/۵۷۰) بر این امر تصریح شده است. ولی بعد از آن گرفتار زندان ابن زیاد می‌شود و تا بعد از واقعه جانسوز عاشورا در حبس باقی می‌ماند.

عدم حضور سلیمان بن صرد خزاعی

ابومطرف سلیمان بن صرد خزاعی نامش در جاهلیت یسار بود. رسول خدا ﷺ نام او را به سلیمان تغییر داد. وی را جزو اولین مسلمانانی دانسته‌اند که در کوفه سکنی گزید و در تمامی جنگ‌های امیرالمؤمنین علیه السلام شرکت داشت (ابن سعد، ۱۴۱۴: ۴/۲۹۲؛ بلاذری، بی تا: ۶/۳۶۳؛ ابن اثیر، ۱۴۲۵: ۲/۳۴۵). فضل بن شاذان او را از تابعین دانسته و از جرگه صحابه خارج کرده است (اردبیلی، ۱۴۲۸: ۱/۳۱۸). در برخی گزارش‌ها حضور سلیمان در جنگ جمل تشکیک وارد شده که همین امر سبب شد تا مورد سرزنش امیرالمؤمنین علیه السلام قرار گیرد (بلاذری، بی تا: ۲/۲۷۱) اما بعدها از طرف امیرالمؤمنین علیه السلام به کارگزاری منطقه جبل منصوب شد (ابن قتیبه، بی تا: ۱/۱۶۳). سلیمان در واقعه صفین و بعد از پذیرش حکمیت با چهره خون‌آلود نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و حضرت آیه «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» را خطاب به وی خواند و فرمود: تواز

۱. از زمان غیبت مختار از شهر کوفه بی اطلاع هستیم.

جمله کسانی هستی که منتظر شهادتند و عهد خود را دگرگون نمی‌کنند (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴: ۱۹۷).

در زمان خلافت حسن بن علی علیه السلام و صلح آن حضرت با معاویه، سلیمان در زمره افرادی به شمار آمده که امام علیه السلام را با عبارت *مذل المؤمنین* خطاب کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۴۲۷: ۱۹۷/۳). با آغاز خلافت یزید و بیعت نکردن حسین بن علی علیه السلام با او، سلیمان جزو اولین افرادی بود که کوفیان را برای دعوت از آن امام علیه السلام فراخواند، هر چند آنها را نیز از پیمان شکنی بر حذر داشت؛ اما خود در وقایع بعدی و حتی واقعه عاشورا غایب است. وی در سال ۶۵ ق به همراه مسیب بن نجبه فزاری خروج کرد و خود را توأیین نامیدند و در عین‌الورده با عبیدالله بن زیاد به جنگ پرداختند. سلیمان در ۹۵ سالگی به دست یزید بن حصین بن مهر کشته و سراز بدنش جدا شد.

مامقانی در نقلی که سند و منبع معتبری برای آن یافت نشده است و به داستان سرایی و مشروعیت بخشی به اقدامات توأیین بیشتر شباهت دارد، نقل می‌کند که سلیمان در شب هشتم قیام خود، در رویا خدیجه کبری، فاطمه زهرا، حسن و حسین علیهم السلام را دید، پس خدیجه علیها السلام فرمود: خداوند به تو و برادرانت اجرو مزد دهد، همانا شما در روز قیامت با ما هستید و بشارت باد بر تو که فردا در هنگام زوال نزد ما خواهی بود (نمازی شاهرودی، ۱۴۲۶: ۴/۳۴۵). درباره چرایی عدم حضور سلیمان در قیام مسلم بن عقیل و واقعه عاشورا تحلیلی ارائه شده است که به بررسی آن می‌پردازیم:

مظفر (۱۳۹۲: ۷۷) با طرح این ادعا که دوازده هزار نفر در زندان‌های عبیدالله در حبس به سر می‌بردند و بسیاری از زندانیان، از قبیل مختار ثقفی، سلیمان بن سرد، مسیب بن نجبه، رفاعه بن شداد و ابراهیم بن مالک اشتر جزو زعمای بزرگان و سران قوم بودند، زندانی شدن سلیمان را دلیلی بر عدم حضور او در وقایع کربلا دانسته است. مشابه همین سخنان در گزارش مامقانی (بی‌تا: ۲/۶۳) نیز وجود دارد. وی در *تنقیح المقال* می‌نویسد: این زیاد پس از آگاهی از نامه‌نگاری کوفیان به امام حسین علیه السلام، چهار هزار و پانصد نفر از توأیین و اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام را دستگیر و زندانی کرد و مانع پیوستن آنان به امام حسین علیه السلام شد، از جمله زندانیان، سلیمان بن سرد خزاعی و ابراهیم بن مالک اشتر و ابن

صفوان و یحیی بن عوف و صعصعه بن صوحان عبدی و دیگران بودند که راهی برای یاری امام حسین علیه السلام نداشتند، چون زندانی و در غل و زنجیر بودند، یک روز به آنان غذا می دادند و روز دیگر آنان را گرسنه نگه می گذاشتند. پس از اینکه شایعه هلاکت یزید به کوفه رسید و ابن زیاد در بصره بود، شیعیان به خانه آن ملعون حمله برده، اموال آن را برداشتند و غلامانش را به قتل رساندند و در زندان را شکسته و چهار هزار و پانصد نفر از جمله افراد مزبور را آزاد کردند و تصمیم به انتقام خون امام حسین علیه السلام گرفتند.

منبع مامقانی در نقل این واقعه معلوم نیست، علاوه بر این اگر دستگیری افراد بعد از نامه نگاری است، چرا عده ای از شیعیان نظیر حبیب بن مظاهر و مسلم بن عوسجه که در قیام مسلم بن عقیل شرکت جستند، به زندان نیفتادند. به نظر می رسد، طرح ادعای زندانی شدن سران شیعه برای توجیه غیبت و علل عدم همکاری سلیمان با مسلم باشد که ناموفق بوده است، چرا که اگر اینان به تعداد دوازده هزار نفر و یا چهار هزار و پانصد نفر در حبس و مشقت بودند، برای عدم حضورشان در وقایع بعدی دلیل قانع کننده وجود داشته است و نیازی به توبه و پشیمانی نیست، زیرا با معذوریت در این وقایع حضور نداشتند. در حالی که بنا بر تصریح منابع، سلیمان و یارانش در سال ۶۵ ق قیام خود را با نام توابین علنی کردند و به خونخواهی امام حسین علیه السلام برخاستند. از دیگر سوابق زیاد در آغاز ورودش به کوفه، از قدرت زیادی برخوردار نبوده بلکه قدرت عمومی با مسلم و جریان او بود، همانگونه که در محاصره دارالاماره کوفه گذشت که به همراه بیست نفر و اندی در قصر باقی ماند.

در چنین فضایی شیعیان به راحتی می توانستند دست به قیام بزنند نه اینکه منتظر دستگیری و زندانی شدن باشند، آن هم با این تعداد زیاد، مگر اینکه گسستگی اجتماعی شیعیان و عدم اتحاد آنها مطرح شود که در این صورت این اشکال مرتفع می شود. به نظر می رسد در تحلیل چرایی عدم حضور سلیمان بن صرد خزاعی در واقعه مسلم بن عقیل و رخداد کربلا باید میان خصوصیات شخصی سلیمان و موقعیت اجتماعی کوفه بعد از قیام مسلم بن عقیل و شکست او، جمع بندی انجام گیرد.

ابن سعد (۱۴۱۴: ۴/۲۱۹)، سلیمان را بسیار شکاک و بطیء النفس وصف کرده

است. شاکاک بودن سلیمان در منابع دیگر نیز ذکر شده است. شرکت نکردن در جنگ جمل و احتیاط کردن در جایی که به زعم آنها جنگ همسر رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام است، همچنین در تحلیل گفتمان سلیمان و سخنانی او در دعوت از امام حسین علیه السلام و بدبینی او نسبت به مردم کوفه از جمله این قرائن است. مختار بن ابی عبید ثقفی، سلیمان را فاقد دانش نظامی و فهم سیاسی می دانست (بلاذری، بی تا: ۳۶۷/۶) و براین باور بود که او ساده لوح و زود باور است. از لحاظ روحی در این گونه افراد، خصیصه ترس از جان بیشتر نمود دارد همانگونه که ابن جوزی (۱۴۲۷: ۲۵۵) درباره سلیمان گزارش داده است.

در این میان خوئی (۱۴۱۳: ۲۸۳/۹) درصدد دفاع از سلیمان برآمده و نقل های ضعیف را به دلیل وجود راویانی که وثاقت آنها ثابت نشده، نمی پذیرد و با استناد به سخنان فضل بن شاذان وثاقت و جلالت او را ثابت می کند. در حالی که نقل فضل بن شاذان در کتاب *اختیار معرفة الرجال* که مورد استناد خوئی قرار گرفته است (طوسی، ۱۴۲۴: ۶۹) بدون سند است و دقیقاً مشخص نیست که با چه واسطه ای از فضل بن شاذان نقل شده است. علاوه بر این از لحاظ روشی، اگر روایات مذمت و نقل هایی که در سرزنش برخی از روایات و اصحاب ائمه علیهم السلام در میان منابع نقل شده است، به دلیل ضعف در طریق تضعیف می شود، چرا روایت ستایش و نقل هایی که در فضیلت و جلالت آنها نقل شده، مورد واکاوی سندی قرار نمی گیرد؟

خصوصیات فردی و دیرتصمیم گرفتن سلیمان در وقایع، موجب شد تا در واقعه مسلم تصمیم بریاری او نگیرد و جزو قائدین باشد. البته یک احتمال دیگر نیز وجود دارد،^۱ و آن اینکه سلیمان در آغاز امر با مسلم بیعت کرد اما هنگامی که کار مسلم به قیام و نبرد کشیده شد، گوشه گیری را انتخاب کرد و وارد این نزاع نشد. با شکست مسلم بن عقیل و شهادت وی، کوفه در دستان ابن زیاد افتاد. گزارش های متعددی درباره ایجاد موانع از سوی عبیدالله بن زیاد برای ملحق شدن مردم کوفه به امام حسین علیه السلام در منابع

۱. هر چند در میان منابع دلیلی برای آن وجود ندارد.

وجود دارد. عبیدالله بن زیاد، بزرگان قوم را تهدید کرد که اگر خبری از او مخفی کنند، مجازاتشان اعدام خواهد بود و مردم را هشدار داد که هرکس مظنون به پشتیبانی از حسین بن علی علیه السلام باشد، بدون محاکمه به دار آویخته و خانه و اموالش نیز سوزانده و مصادره می شود (طبری، ۱۴۰۸: ۳۵۹/۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۴۴/۲). وی همچنین با گماردن جاسوس از ورود و خروج افراد مظنون جلوگیری کرد (دینوری، ۱۴۲۱: ۳۵۹) و مردم را به شدت زیر نظر گرفته بود (طبری، ۱۴۰۸: ۳۵۹/۵). با این اوصاف، تردیدهای درونی سلیمان و یاری نرساندن مسلم از جانب او و سخت شدن شرایط کوفه از سوی حاکمیت، کار را به آنجا کشاند که سلیمان بن صرد نتواند در واقعه کربلا به نقش آفرینی دست بزند و بعد از واقعه کربلا در قالب توأیین نام خود را در تاریخ زنده نگه داشت.

عدم حضور حبیب بن مظاهر، مسلم بن عوسجه و ابو ثمامه صائدی

درباره افراد دیگری که از بزرگان و مشاهیر شیعیان کوفه به شمار می آمدند و در قیام مسلم شرکت کردند اما در پایان اطلاعی از نوع عملکرد آنها وجود ندارد و بعدها جزو شهدای کربلا بودند، می توان این تحلیل را ارائه داد که سپاهیان مسلم بن عقیل از درب شمالی قصر، آن را احاطه کرده بودند به گونه ای که در رجه بزرگ و فضای خالی وسیعی که بازار در آن قرار داشت، حضور داشتند و از طرف درب شرقی نیز به مسجد کوفه راه داشتند. کثرت لشکریان در آغاز و همچنین جنگ روانی عبیدالله بن زیاد، در کنار درگیری هایی که میان نیروهای مسلم بن عقیل با عبیدالله بن زیاد به وجود آمد، سبب شد تا میان لشکریان فاصله به وجود آید. بنابراین این احتمال مطرح می شود که در بحبوحه جنگ و درگیری میان فرماندهان سپاه مسلم و افراد سرشناس سپاه او فاصله افتاده باشد و حبیب بن مظاهر، ابو ثمامه صیداوی و مسلم بن عوسجه نیز از احوال مسلم بن عقیل بی اطلاع باشند. در نتیجه از طریق دهلیزهایی که در مسجد کوفه قرار داشت خود را مخفی کرده و آماده حرکت به سمت کربلا شدند؛ چرا که بنا بر گزارش طبری (۱۴۰۸: ۴۷/۵) تا قبل از حکومت زیاد بن ابیه بر کوفه، مسجد فاقد دهلیز بود اما زیاد دستور ساختن سه دهلیز را در سه سمت مسجد صادر کرد که از داخل صحن مسجد، دیرهند

و دروازه جسرو از طریق پل و قایق‌های رود فرات دیده می‌شدند.

ابومخفف بر این عقیده بود که دیر هندی در شمال شرقی و دقیقاً در نزدیکی پل قرار داشته است (همان، ۲۲/۶). احتمالاً این افراد از همین جهت و از طریق پل ورودخانه فرات فرار کرده و مخفی شده‌اند. درباره ابوثمامه صیداوی نقل شده که با فراری شدن افراد تحت فرمانش به قبیله خود رفت و مدتی در بین ایشان پنهانی زیست (همان، ۳۶۹/۵). بنابراین محدوده ورود نیروهای مسلم بن عقیل در جهت شمال قصر و شرق مسجد و وجود دهلیزها در شمال شرقی مسجد همگی این احتمال را تقویت می‌کند که جنگ و نبرد به کوچه‌ها و معابر کوفه کشیده شده و همین امر فاصله و شکاف ایجاد کرده است. در نتیجه با فراری شدن نیروها و قدرت گرفتن نیروهای تحت امر عبیدالله بن زیاد تنها راه فرار و مخفی شدن از طریق همین دهلیزهای مسجد بوده است.

عدم حضور ابراهیم بن مالک اشتر

قبیله مذحج که هانی بن عروه بزرگ آنها به شمار می‌آمد، دارای هفده طایفه شناخته شده بود که همگی در کوفه زندگی می‌کردند (ابن حزم، ۱۴۳۰: ۴۷۶). طایفه نخع جزو قبیله مذحج بود. در گزارش‌های تاریخی حرکت مثبتی از این طایفه، نسبت به دستگیری زعیم آنها هانی مشاهده نمی‌شود و در این بین، نقش ابراهیم بن مالک اشتر که به خاطر رشادت خودش و نام‌آوری پدرش در کوفه شناخته می‌شد نیز در قیام مسلم بن عقیل و رخداد عاشورا در هاله‌ای از ابهام قرار دارد؟

شاکر حسین (۹۸) در تحلیل چرایی عدم حضور ابراهیم، بر این دیدگاه متمایل شده که وی در وقایع قبل از قیام مختار، کم سن و سال بوده و همین عامل مهمی است که ردپایی از او در گزارش‌های تاریخی وجود نداشته باشد. احتمالاً مراد شاکر حسین، روایت ابومخفف است که طبری (۱۴۰۸: ۱۵/۶) نقل کرده است: «مختار ثقفی برای بدست آوردن پیروزی به ابراهیم نیاز داشت، زیرا یارانش به وی گفته بودند که ابراهیم جوان دلاور و نیرومند و فرزند مرد بزرگ و بلند آوزه‌ای است و عشیره توانمند و پرشماری دارد». از دیگر سو، در گزارش نصر بن مزاحم (متوفای ۲۱۲، ۱۴۰۴: ۴۴۱) آمده است که در

جنگ صفین به همراه مالک اشتر می جنگیده است و در جای دیگری نقل می کند که ابراهیم از حضور خود نزد امیرالمومنین علیه السلام خبر می دهد که امر فرمود تا مالک که درون سپاه معاویه رخنه کرده بود، بازگردد و نیز واقعه قرآن به نیزه کردن شامیان را روایت می کند (همان، ۴۹۰).

این گزارش ها می تواند تحلیل شاکر حسین را مبنی بر جوان بودن ابراهیم در هنگام قیام مختار مورد تردید قرار دهد. در تحلیل عدم حضور ابراهیم در قیام مسلم و وقایع بعدی آن، دو نظر وجود دارد؛ آنکه در صورت عدم پذیرش گزارش نصر بن مزاحم و تضعیف آن، احتمال مطرح شده از سوی شاکر حسین و کوچکی سن ابراهیم تقویت پیدا می کند، اما بنا بر پذیرش گزارش نصر بن مزاحم، دو سؤال مهم ایجاد می شود: اول آنکه چرا در گزارش طبری، یاران مختار، ابراهیم را جوان دلاور دانسته اند؟ و دیگر آنکه مفقود بودن ابراهیم در سال ۶۰ و ۶۱ ق که در این برهه تاریخی مردی جا افتاده و برومند بوده و زعامت قوم خودش را بر عهده داشته است، چه دلیلی داشته است؟

در پاسخ به سؤال اول می توان گفت احتمالاً مراد از جوان در میان یاران مختار، این است که ابراهیم نسبت به مختار و اطرافیان از سن کمتری برخوردار بوده و قدرت جسمانی بیشتری دارد؛ چرا که مختار به هنگام شهادت، ۶۷ سال داشته است. منابع تاریخی در پاسخ به سؤال دوم یعنی مفقود بودن ابراهیم در وقایع مهم کوفه سکوت کرده اند و غیبت ابراهیم در هاله ای از ابهام قرار دارد. بعدها در واقعه قیام مختار شواهدی وجود دارد که او به دنبال رهبری و سروری قیام بوده است. ابراهیم در آغاز دعوت مختار، رهبری او را نپذیرفت و اعلام کرد تنها در صورتی آنها را همراهی می کند که خود رهبری قیام را بر عهده داشته باشد (ابن مسکویه، ۱۴۰۷: ۲/۱۲۲). ابراهیم حتی در ادامه همراهی خود با مختار، آنچنان به رهبری مختار معتقد نبود. در آغاز قیام هنگامی که یارانش از سیاست و کیاست مختار تعریف می کردند، او با تشکیک در آن گفت: من مطمئن نیستم که به نتیجه برسیم (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۶/۱۰۴).

ابراهیم بعد از کشته شدن مختار، با مصعب بن زبیر بیعت کرد و در زمره نزدیکان و افراد برجسته و مورد اعتماد او قرار گرفت (دینوری، ۱۴۲۱: ۳۰۹). در نبود مصعب که برای

جنگ با مروانیان به بصره رفته بود، برای مدتی حاکم کوفه شد (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۲۵۶/۶)، در جنگ با ازارقه، جانشین مهلب بن ابی صفره شد (بلاذری، بی تا: ۳۳۱/۵) و حکومت بر موصل، جزیره، آذربایجان و مناطق وابسته به آن را از طرف زبیریان پذیرفت (همان، ۲۳۱-۲۳۷). با توجه به موارد گفته شده به نظر می‌رسد، ابراهیم همانند بسیاری از سیاستمداران و زعمای قوم، در وقایع مختلف به فراخور مصلحت و دوراندیشی که داشته، تصمیم می‌گرفته است. گاهی لازمه این سیاست، دراز کردن دست دوستی به دشمنان خود نیز بوده است اما از چرایی عدم حضور او در واقعه قیام مسلم و رخداد کربلا اطلاعی در دست نیست.

نتیجه

پژوهش حاضر عدم حضور بزرگان کوفه در قیام مسلم بن عقیل را مورد بررسی قرار داده است. رهیافت‌های به دست آمده از این قرار است: ۱. در آغاز، مختار در سپاه مسلم بن عقیل بوده و مأموریت مراقبت از خانه عمرو بن حرث را بر عهده داشته است، اما با نیرنگ ابن زیاد و فاصله افتادن میان نیروهای مسلم، مختار خارج از کوفه مخفی می‌شود تا اوضاع کوفه آرام گردد؛ ۲. خصوصیات فردی و روانی سلیمان بن صرد خزاعی موجب شد تا با دیده شک به قیام مسلم بن عقیل بنگردد و بعد از شکست قیام و قدرت گرفت ابن زیاد در دام سیاست‌های او گرفتار شود؛ ۳. پیرامون غیبت حبیب بن مظاهر، ابو ثمامه صیداوی و مسلم بن عوسجه باید گفت که در بحبویه جنگ و درگیری، میان مسلم و افراد سرشناس سپاهش فاصله افتاد است و بعد از آن این سه تن از احوال مسلم بن عقیل بی اطلاع شدند و تنها راه نجات را فرار از دهلیزهای مسجد کوفه دانسته و خود را به شط رساندند؛ ۴. ابراهیم بن مالک اشتر نخعی دقیقاً همانند یک سیاستمدار رفتار می‌کرده و به مقتضای شرایط و تغییر اوضاع، استراتژی او نیز برای مقابله با آن تغییر می‌کرده است.

منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۴۲۵ق)، *اسد الغابه فی معرفه الصحابه*، چاپ اول، بیروت،

- بی جا.
- ابن اعثم، ابومحمد احمد (۱۴۱۱ق)، الفتوح، بیروت، دارالاضواء.
 - ابن جوزی، شمس الدین بن فرغلی (۱۴۲۷ق)، تذکره الخواصر، چاپ اول، قم، نشر ذوی القربی.
 - ابن حزم، علی بن احمد بن سعید (۱۴۳۰ق)، جمهره انساب العرب، تحقیق عبدالمنعم خلیل ابراهیم، چاپ پنجم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
 - ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۴ق)، الطبقات الکبری، چاپ پنجم، بیروت، مکتبه الصدیق.
 - ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۴۲۷ق)، المناقب آل ابی طالب، تحقیق دکتر یوسف البقاعی، چاپ دوم، قم، نشر ذوی القربی.
 - ابن قتیبہ دینوری (بی تا)، الامامہ والسیاسہ، تحقیق شیرازی، قم، نشر امیر.
 - ابن کثیر، ابوالفدا اسماعیل (۱۴۱۳ق)، البدایہ والنہایہ، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 - ابن مسکویه (۱۴۰۷ق)، تجارب الامم و تعاقب الهمم، تهران، نشر سروش.
 - اردبیلی، محمد بن علی (۱۴۲۸ق)، جامع الرواه و ازاحه الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، چاپ دوم، قم، نشر کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
 - براقی، سید حسین (۱۳۸۸ش)، تاریخ کوفه، ترجمه سعید راد رحیمی، مشهد، آستان قدس رضوی.
 - بلاذری، احمد بن یحیی (بی تا)، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر.
 - جعیط، هاشم (۱۳۹۳ش)، کوفه پیدایش شهر اسلامی، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، چاپ دوم، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.
 - خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، معجم الرجال الحدیث، چاپ پنجم، قم، بی جا.
 - دینوری، احمد بن داود (۱۴۲۱ق)، اخبار الطوال، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
 - شاکر حسین، خلیل (۱۳۸۴ش)، فصلنامه تاریخ اسلام، سال پنجم، شماره ۱۸.
 - شوشتری، محمد تقی (۱۴۱۸ق)، قاموس الرجال، چاپ سوم، قم، نشر اسلامی.

- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۸ق)، تاریخ الرسل والملوک، بیروت، نشر دار الکتب العلمیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۴ق)، اختیار معرفه الرجال، چاپ چهارم، تهران، نشر علامه مصطفوی.
- مامقانی، عبدالله (بی تا)، تنقیح المقال، نجف اشرف، چاپ المرتضویه.
- مظفر، محمد حسین (۱۳۹۲ش)، تاریخ شیعه، تهران، نشر دفتر فرهنگ اسلامی.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تحقیق موسسه آل البيت علیهم السلام، قم، نشر فرهنگ اسلامی.
- نصر بن مزاحم (۱۴۰۴ق)، وقعه الصفین، تحقیق عبدالسلام هارون، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی.
- نمازی شاهرودی، علی (۱۴۲۶ق)، مستدرکات علم الرجال الحدیث، چاپ اول، قم، موسسه النشر الاسلامی.

